



یادبودی از چند چهره برجسته تاریخ معاصر ایران

خادمان جاودان ملت

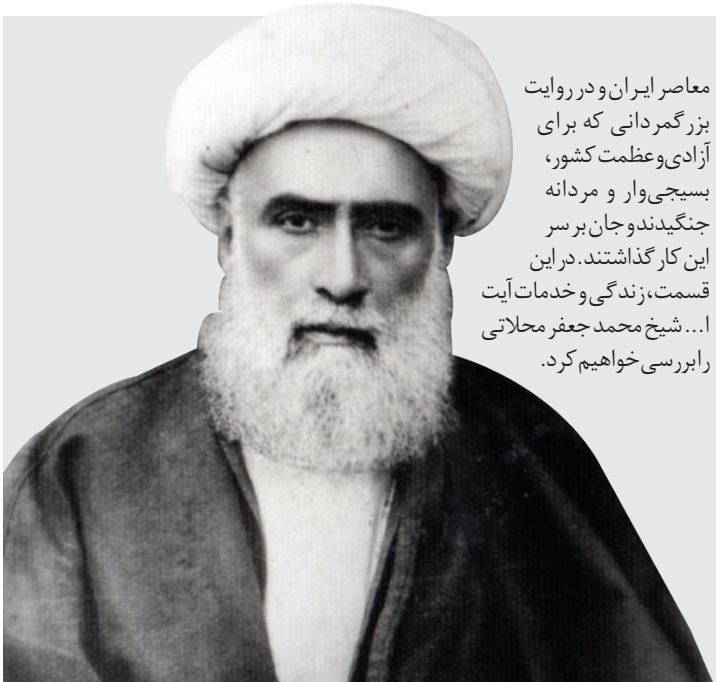
گروه تاریخ - آن‌هایی که مدعی اند بسیجی بودن یعنی فقط لباس خاکی پوشیدن و سلاح به دست گرفتن و در میدان نبرد جنگیدن یا نمی‌دانند یا خودشان را به نادانی می‌زنند؛ بسیج یک تفکر است، یک رویکرد، یک سبک زندگی، یک روش برای حرکت به سوی آن که انسان و انسانیت چشم به راه اوست، یک فرهنگ است. بسیج ایده و تفکر امروز دیروز نیست، اندیشه‌ای سیال در تاریخی است که با بعثت انبیای الهی برای نجات‌ورهایی بشر آغاز شد و تا قیام قیامت، برپا خواهد ماند. در چنین چشم‌اندازی، باید بسیج

و بسیجی را فراتر از رزمندگان دید که قهرمانانه در میدان‌های رزم، از جان مایه گذاشتند و برای ملت ما، عزت و شرف و آزادی‌گی خریدند. در چنین چشم‌اندازی، هزاران شخصیت برجسته علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار می‌گیرند که بود آن‌ها، بر ظرفیت‌های گوناگون یک ملت افزود و زمینه تعالی و رشد آن را مسیر الهی‌اش رقم زده است. رهبر معظم انقلاب، پنجم‌آذرماه امسال و در دیدار جمع کثیری از بسیجیان، این حقیقت مغفول‌مانده را برای چندمین بار یادآوری کردند و گفتند: «فرهنگ بسیج یعنی

خستگی‌ناختن در کمک‌های مؤمنانه... در میدان مقابله با دشمن هم، یعنی در میدان جنگ نظامی هم، بی‌محبا وارد میدان شدن، از دشمن نترسیدن، به دشمن فرصت ندادن؛ این [فرهنگ بسیجی] است. در هر کارزار سیاسی و نظامی و علمی وارد شدن و همه‌توان خود را به کار گرفتن؛ این فرهنگ بسیجی است... بسیجی بودن فرهنگ مجاهدان گمنام است... همین‌طور که در فرمایش امام هم به همین معنا اشاره شده... فرهنگ مجاهدان بی‌توقع است؛ خطرپذیری است، نترسیدن است؛ خدمت‌گزار است برای همه و برای کشور؛ از خود برای دیگران مایه گذاشتن است؛ حتی مظلوم شدن برای این که مظلوم‌ارهایی ببخشند. روحیه بسیج پروری با همین خصوصیات که گفتیم، [مثل] ورود در میدان، نترسیدن، با دشمن سینه‌به‌سینه شدن، در دوران حکومت‌های مملویتی و در دوران‌های گذشته هم بود، منتها بیگانه‌ها مسلط بر کشور بودند و آن‌ها نمی‌گذاشتند

و سرکوب می‌کردند یا خود حکومت‌ها فاسد بودند. حال نمونه‌هایش را من این‌جا یادداشت کرده‌ام. مثلاً در دوران دخالت‌های خارجی‌ها... این مال همین دوره تاریخ معاصر ماست، مال خیلی قبل‌ها نیست... در تبریز، شیخ محمد خیابانی؛ او به یک معنا بسیجی است؛ قیام می‌کند، حرکت می‌کند، بعد هم شهید می‌شود؛ در مشهد، محمدتقی‌خان پسیان؛ او هم همین‌جور؛ اغلب شرح حال این‌ها را متأسفانه شماها نمی‌دانید؛ باید کتاب زیاد بخوانید، باید شرح حال این‌ها را بفهمید، بدانید. در رشت، میرزا کوچک‌خان جنگلی؛ در اصفهان، آقاجانی و حاج آقا نور...؛ در شیراز، آسید عبدالحسین لاری و بعضی دیگر از بزرگان علما، [مثل] شیخ جعفر محلاتی؛ در بوشهر، رئیس‌علی دلواری...». آن‌چه در صفحه مربوط به کتل محمدتقی پسیان مشاهده کردید و آن‌چه در صفحه امروز و صفحات مشابه با آن در آینده مطالعه می‌کنید، بازشناسی روحیه بسیجی است در گستره تاریخ

معاصر ایران و در روایت بزرگمردانی که برای آزادی و عظمت کشور، بسیجی‌وار و مردانه جنگیدند و جان بر سر این کار گذاشتند. در این قسمت، زندگی و خدمات آیت... شیخ محمد جعفر محلاتی را بررسی خواهیم کرد.



طلایه‌دار تأسیسی مدارس دخترانه و مبارزه با استعمار

آیت... شیخ جعفر محلاتی چگونه در دهه ۱۲۹۰ خورشیدی، همزمان با فرماندهی نیروها علیه نظامیان اشغالگر انگلیسی به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز می‌پرداخت؟

جواد نوائیان رودسری - مرور زندگی و رویدادهای دوران حیات مرحوم آیت... شیخ محمد جعفر محلاتی، انسان را شگفت‌زده می‌کند؛ این که می‌بینی کمتر عرصه‌ای است که این مجتهد آشنا به زمانه و مبارز خستگی‌ناپذیر، به آن ورود نداشته و یکی از آن علمای بلندنظر و باریک‌بینی است که در ردوپذیرش هر چیز، نگاهی دقیق و بی‌طرفانه به مزایا و مضرات آن می‌انداخته؛ بدون کمترین تعارف، آن‌چه در تضاد با تعالیم شرع انور بوده، نفی می‌کرده و قسمتی را که منافع قابل توجه داشته و مخالفت صریحی با احکام شرعی در آن دیده نمی‌شده، می‌پذیرفته و به ترویج آن همت می‌گماشته است. او، هرگز بدون مطالعه، به نفی تمامیت یک موضوع نمی‌پرداخت و این سعه صدر، شجاعت و تیزبینی، از آیت... محلاتی مجتهدی گران‌مایه، روشنفکر، استعمارستیز و بسیار تلاش‌گر ساخت که یاد و خاطره‌اش، در ذهن اهالی فارس و به ویژه شهر شیراز، ماندگار شد. آیت... شیخ محمد جعفر محلاتی را باید یکی از برجسته‌ترین علمای دوره پشمارسوطه بدانیم؛ دورانی که برای مردم ایران، به دلیل ضعف حکومت مرکزی، نفوذ گسترده استعمار بریتانیا و در نهایت، آغاز حطی بزرگ، ایامی سخت، دشوار و مصیبت‌بار است. او در این دوره، پرچمدار مبارزه با استعمار بود و پس از آن نیز، به مقابله با نفوذ دیکتاتوری رضاخان پرداخت که می‌خواست به بهانه مسئولیت در وزارت جنگ، دایره قدرت خود را وسیع‌تر کند.

■ شاگرد میرزا شیرازی

آیت... شیخ محمد جعفر محلاتی در سال ۱۲۴۶ ش، در شیراز به دنیا آمد؛ در خانه شیخ محمد حسین محلاتی، از علمای صاحب‌نام خطه فارس. در سال ۱۳۰۹ ق / ۱۲۷۰ ش، در حالی که ۲۴ سال داشت و مقدمات را در مدارس علمیه زادگاهش طی کرده بود، راهی سامرا شد تا بتواند از محضر میرزای بزرگ شیرازی بهره ببرد؛ به این ترتیب، سه سال در درس آن عالم مبارز و صاحب فتوای تنباکو حضور یافت. با درگذشت میرزای شیرازی، شیخ محمد جعفر راهی نجف اشرف شد و در درس علمایی مانند آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی و میرزا حسین خلیلی شرکت کرد و از دو نفر نخست، اجازه اجتهاد گرفت

و در سال ۱۳۳۰ ق / ۱۲۹۱ ش به زادگاهش، شیراز، بازگشت؛ آن‌هم در گیر و دار جریان نفوذ استعمار انگلیس در صفحات جنوبی ایران و سرکوب قیام‌های مبارزان فارس و بوشهر. آیت... شیخ محمد جعفر محلاتی حدود ۴۷ سال داشت که قیام رئیس‌علی دلواری در بوشهر آغاز شد و علمای جنوب، علیه حضور انگلیسی‌ها در خاک ایران، فتوای جهاد صادر کردند؛ طولی نکشید که آیت... شیخ محمد جعفر محلاتی هم به صف علمای صادرکننده فتوای جهاد پیوست.

■ **صدور فتوای جهاد در مجلس تر حیمیر رئیس‌علی دلواری** اوایل ذی‌القعدة سال ۱۳۳۳ / شهریور ۱۲۹۴، رئیس‌علی دلواری با خیانت یکی از افرادش، به شهادت رسید. این اتفاق، خشم مردم جنوب را علیه استعمار انگلیس، پیش از پیش برانگیخت. آیت... شیخ محمد جعفر محلاتی روز هفتم شهادت رئیس‌علی دلواری، مجلس ترجمیمی در یکی از مساجد شیراز برگزار کرد و در همان مجلس بود که فتوای جهاد توسط وی صادر شد؛ فتوایی که مثل برق و باد در شیراز پیچید و در کمتر از نیم‌روز، ۷۰۰ مرد جنگی، آماده جانبازی در رکاب مجتهد شجاع و ۴۸ ساله خود شدند. آیت... شیخ محمد جعفر محلاتی شخصاً فرماندهی نیروها را بر عهده گرفت و روز ۹ ذی‌القعدة ۱۳۳۳ / ۲۶ شهریور ۱۲۹۴ از مسیر کازرون و برازجان به سوی بوشهر حرکت کرد تا نیروهای انگلیسی که این بندر را هیردی را به اشغال خود درآورده بودند، از خاک وطن بیرون برانند. طی این مسیر، افرادی از شهرها، مناطق و طوایف گوناگون، به سپاه شیراز پیوستند. سرهنگ اخگر، فرمانده وطن دوست ژاندارمری بوشهر که با ۳۰۰ نفر ژاندارم از شهر عقب‌نشسته بود نیز، به سپاه آیت... محلاتی پیوست. سران حکومتی کوشیدند با پیغام و نامه، آیت... محلاتی را از این اقدام بازدارند؛ اما او عقب‌نشینی را خلاف شرع و پشت کردن به مبانی دین‌مبین اسلامی می‌دانست. سپاه شیراز در نهایت در نزدیکی بوشهر از دوز و نبرد با انگلیسی‌ها آغاز شد. نیروهای اشغالگر که تاب مقاومت در برابر این نیروی منسجم را نداشتند، پیشنهاد آتش‌بس دادند؛ اما آیت... محلاتی برای قبول این پیشنهاد، یک شرط مهم و اساسی

گذاشت: نیروهای انگلیسی باید به طور کامل از بوشهر خارج شوند. این شرط از سوی فرمانده انگلیسی پذیرفته شد؛ اما آیت... محلاتی نیروهای خود را از بوشهر دور نکرد و این کار را به اقدام عملی انگلیسی‌ها منوط دانست. نیروهای استعمارگر، برای گریز از مخمصه‌ای که در آن گرفتار شده بودند، بوشهر را کاملاً تخلیه کردند.

■ ایستادگی در برابر پهلوی اول

آیت... شیخ محمد جعفر محلاتی، به عنوان یکی از شاگردان برجسته میرزای شیرازی و آخوند خراسانی، در سراسر عمر، فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی خود را ادامه داد. در دورانی که رضاخان با عنوان سردار سپه، به وزارت جنگ رسید، آیت... محلاتی از علمایی بود که با آگاهی از وابستگی‌های سردار سپه به بریتانیایی‌ها، به مخالفت با او برخاست و هنگام سفر رضاخان به جنوب، در کسوت وزیر جنگ، تقاضای او را برای دیدار رد کرد و حاضر نشد با وی ملاقات کند. برخی معتقدند همین مسئله باعث شد که آیت... شیخ محمد جعفر محلاتی در دوران سلطنت رضاشاه، با محدودیت‌های گسترده روبرو شود؛ محدودیت‌هایی که تا زمان رحلت وی در هفتم ربیع‌الاول سال ۱۳۵۸ / ششم اردیبهشت ۱۳۱۸ (۲۲ سالگی) برقرار ماند. با این حال، آن‌مرحوم حتی در محیط پراختناق عصر رضاشاهی هم، حاضر به کوتاه آمدن در برابر اقدامات ضد دینی و ضد ملی پهلوی اول نشد. یک بار، زمانی که در ایام ماه مبارک رمضان، قصد قرائت دعای سحر را بر فراز منبر داشت، یکی از مأموران شهربانی، تصمیم به ممانعت و پاپین آوردن آن مجتهد شجاع از منبر گرفت؛ دختر آیت... محلاتی این واقعه را چنین نقل می‌کند: «اقام خیلی شجاع بودند و از کسی نمی‌ترسیدند. یکی از شب‌های احیای یکی از آژان‌هایی (آژان: آجان، پلیس، مأمور شهربانی و نظمیه) که مأمور نظم مسجد شده بود، از دهات اطراف بود؛ وقتی آقام به منبر رفتند و شروع کردند به خواندن دعای سحر، رفت جلوی منبر به ایشان گفت: بیا پایین. آقام فریاد زدند: نمی‌آیم! تو کی هستی، برو عقب. ناگهان همه مردم بلند شدند و او را گرفتند و به کلانتری بردند. در کلانتری گفتند: این نمی‌دانسته! آمده برای نظم و ترتیب، بی‌خود گفته

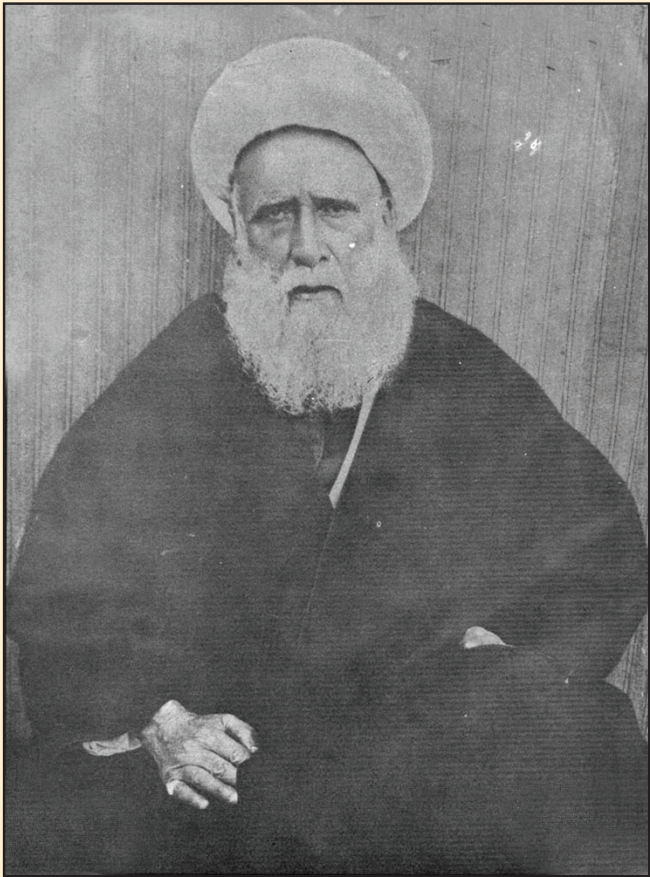
و خود آقا مجازاتش کنند! آقام او را ول کردند. بعد آقام دوباره به منبر رفتند و دعای سحر را خواندند. بعد از اتمام مجلس همه مردم آقا را تادم خانه همراهی کردند.»

■ **اهتمام به تحصیل بانوان** شاید یکی از فرازهای بسیار مهم در زندگی آیت... شیخ محمد جعفر محلاتی که شاید تاکنون کمتر به آن توجه شده باشد، اقدامات فرهنگی و اجتماعی وی است. در ابتدای این نوشتار گفتیم که او با هر ابزاری که می‌توانست در ارتقای سطح زندگی و آگاهی مردم مؤثر باشد و در همان حال، مخالفتی بین استفاده از این ابزار و نتایج آن، با دستورهای شرع انور وجود نداشت، نه تنها مخالفت نمی‌کرد، بلکه در مسیر ترویج این گام‌های مؤثر برمی‌داشت. یکی از این اقدامات، تلاش آیت... شیخ محمد جعفر محلاتی برای تأسیس مدارس دخترانه، در شیراز دهه ۱۲۹۰ ش بود؛ اقدامی که در آن روزگار، گروهی با آن از در مخالفت در می‌آمدند و چنین اقدامی را، مغایر با شئون دینی می‌دانستند، اما آیت... محلاتی، نه تنها چنین رویکردی نداشت، بلکه معتقد بود اصل فراگیری علم، برای جمیع مسلمانان، صرف‌نظر از جنسیت آن‌ها، ضروری و لازم است و آن‌چه با شرع انور مغایرت دارد، عبور از مرزهای حیا و عفاف و بی‌توجهی به قوانینی است که برای حفاظت از شأن و جایگاه بانوان در اسلام وضع شده. به همین دلیل، آن‌مرحوم، هم از تأسیس مدرسه دخترانه در شیراز حمایت کرد و هم، دختران خودش را برای تحصیل به این مدرسه فرستاد. چند سال قبل، مجموعه خاطرات شفاهی سه دختر تحصیلکرده مرحوم آیت... شیخ محمد جعفر محلاتی، در قالب کتابی با عنوان «زهره، ماه‌منیر و مهرماه: خاطرات دختران یک مرجع دینی» منتشر شد و ناشرینده‌هایی از رویکردهای شگفت‌انگیز فرهنگی و اجتماعی آیت... محلاتی را آشکار کرده؛ آن‌مرحوم، در تأسیس نخستین مدرسه دخترانه شیراز، نقشی مستقیم و غیرقابل انکار ایفا کرد. «مهرماه» یکی از دختران وی، در باره این اقدام پدر، چنین می‌گوید: «به‌اجازه آقام مدرسه دخترانه باز کردند؛ مدرسه علویه. من هنوز به دنیا نیامده بودم. رفعت خانم و کوبک خانم و زهره خانم و دخترهای آمیز ابوالفضل، صفیه خانم، علیه‌خانم، قمرالسماء

و دختران آشیم مرتضی، رفته بودند. خانم لشکری - که حالا همسایه ماست - می‌گفت: پدر ما آن قدر متاسف بود که نگذاشت ما به مدرسه برویم. ما می‌گفتیم آقا شیخ جعفر دخترهایش را برای راهنمایی ما فرستاد به مدرسه. اولین مدرسه دخترانه‌ای که در شیراز باز شد؛ مدرسه خانم علوی [بود]، ولی پدر ما نگذاشت. او (خانم لشکری) می‌گفت: پدر شما آن قدر روشنفکر بود که او و آمیز ابوالفضل برای تشویق مردم، اول دختران خود را به مدرسه فرستادند. همه علما برای تشویق مردم که نگویند سواد گناه‌دار، همه دخترهای شان را فرستاده بودند مدرسه، اولین مدرسه دخترانه شیراز. ذکر این مسئله از آن‌رو حائز اهمیت است که برخی از مورخان، بدون توجه به چنین مواردی، اهتمام به تحصیل دختران را یکسره از اقدامات متجددان می‌دانند و برای علما و مذهبیبون در این عرصه حق و جایگاهی قائل نیستند.

■ تحصیل، آری؛ بی‌حیایی، هرگز

با وجود این، آیت... محلاتی هنگامی که پای بی‌عفتی و بی‌حیایی در زمان رضاشاه، به مدارس دخترانه باز شد، به شدت در برابر آن ایستاد و دختران را از ورود به چنین مدارس منع کرد؛ اما جالب است که این منع، منافاتی با ادامه تحصیل نداشت؛ دختران آیت... محلاتی در خانه و با معلمانی که به اهتمام پدر برای تدریس آن‌ها استخدام شده بود، به تحصیل ادامه دادند و حتی دیپلم خودشان را هم گرفتند؛ زهره محلاتی به یاد می‌آورد: «امتحان سه کلاس هفتم و هشتم و نهم، متفرقه دادیم و قبول شدیم. برای امتحان شیمی، روز امتحان با چادر رفتیم توی مدرسه. به ما اعتراض کردند که چرا چادر دارید؛ چادر را در بیاورید. ما پا شدیم از جلسه بیرون رفتیم. آمدند دنبال ما که روسری سر کنید؛ ما قبول نکردیم. یکی از دختران آیت... محلاتی، بعد از سقوط رضاشاه و در دهه ۱۳۲۰ ش، به دانشگاه راه یافت و مدرک دانشگاهی گرفت. رفتار آن‌مرحوم باعث شد که این تفکر باطل و خلاف دستورهای شرع انور که تحصیل بانوان را جایز نمی‌داند، از میان بسیار از مذهبی‌های روشن‌ضمیر رخت بر بندد و زمینه تحصیل و پیشرفت دختران و زنان مسلمان، مؤمن و معتقد فراهم شود.



شرح تصاویر: عکسی از سال‌های پایانی عمر آیت... محلاتی در کنار عکس‌هایی از نیروهای مردمی جنوب که علیه انگلیسی‌ها می‌جنگیدند